



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A comparative study of indemnity in the absence of insurable interest in Iranian law

M. Izanloo, F. Fooladgar*

Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 14 February 2012

Revised: 10 March 2012

Accepted: 01 September 2012

Keywords

*Insurable Interest; Wager;
Moral Hazard; Risk;
Sanction.*

ABSTRACT

Insurable benefit is a relatively unknown concept in Iranian law, which is limited only to damage insurance and in the field of personal insurance, according to Article 23 of the Iranian Insurance Law approved in 1316, the criterion of satisfaction of the insured has been replaced by the concept of insurable benefit. This is despite the fact that in English insurance law, the concept of insurable interest is emphasized as the basic principle of insurance - both in personal insurance and damage insurance - and the alternative criterion, the satisfaction of the insured, has not been so favored by the judicial procedure and laws of this country. British insurance law has been paying attention to the dimensions of this concept and the guarantee of its implementation for more than a century, and considerable literature has been formed in this country's law, both in the economic aspect and in the legal aspect. While Iran's insurance law, like French law, despite emphasizing the necessity of benefit in damage insurance, there is no provision regarding the guarantee of its absence in the contract. This article aims to emphasize on the necessity of insurable interest not only in damage insurance but also in the field of personal insurance with a comparative approach, and on the other hand, according to the foundations of the country's legal system, to clarify the guarantee of the lack of interest in the insurance contract.

***Corresponding Author:**

Email: nf.fooladgar@ut.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2013.02.04



۹ مطالعه تطبیقی ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در حقوق ایران

محسن ایزانلو، فریبا فولادگر*

گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۵ بهمن ۱۳۹۰
تاریخ داوری: ۲۰ اسفند ۱۳۹۰
تاریخ پذیرش: ۱۱ شهریور ۱۳۹۱

چکیده:

نفع قابل بیمه مفهومی نسبتاً ناشناخته در حقوق ایران است که تنها به بیمه‌های خسارت محدود مانده و در حوزه بیمه‌های اشخاص به موجب ماده ۲۳ قانون بیمه ایران مصوب ۱۳۱۶، معیار رضایت بیمه‌شده، جایگزین مفهوم نفع قابل بیمه گردیده است. این در حالی است که در حقوق بیمه انگلیس بر مفهوم نفع قابل بیمه به عنوان اصل اساسی بیمه‌ای - هم در بیمه‌های اشخاص هم بیمه‌های خسارت - تأکید می‌شود و معیار جایگزین یعنی رضایت بیمه‌شده آنچنان مورد اقبال رویه قضایی و قوانین این کشور قرار نگرفته است. حقوق بیمه انگلیس بیش از یک قرن به بررسی ابعاد این مفهوم و ضمانت اجرای آن توجه داشته و ادبیات قابل ملاحظه‌ای هم در بعد اقتصادی هم از جنبه حقوقی در این رابطه در حقوق این کشور شکل گرفته است. در حالی که در قانون بیمه ایران همچون حقوق فرانسه با وجود تأکید بر ضرورت وجود نفع در بیمه‌های خسارت، در رابطه با ضمانت اجرای فقدان آن در قرارداد، حکمی مقرر نگردیده است. مقاله حاضر در نظر دارد تا با نگرشی تطبیقی از یک سو بر ضرورت نفع قابل بیمه نه تنها در بیمه‌های خسارت بلکه حتی در حوزه بیمه‌های اشخاص تأکید نماید و از سوی دیگر با توجه به مبانی نظام حقوقی کشور، ضمانت اجرای فقدان نفع در قرارداد بیمه را روشن سازد.

کلمات کلیدی

نفع قابل بیمه
شرط‌بندی
مخاطره اخلاقی
خطر
ضمانت اجرا

*نویسنده مسئول:

ایمیل: nf.fooladgar@ut.ac.ir

DOI: 10.22056/ijir.2013.02.04

هرم قرارداد بیمه از سه رأس ضروری «خطر»^۱، «حق بیمه»^۲ و «حادثه»^۳ تشکیل گردیده است که در این میان «خطر» از اهمیت قابل ملاحظه‌ای در مباحث مربوط به نفع قابل بیمه^۴ برخوردار است. به عبارت دیگر نفع، مؤلفه تشکیل دهنده خطر است. بدین توضیح که نفع در عدم وقوع خطر، عنصر اساسی اعتبار قرارداد بیمه است تا جایی که فقدان آن به شرط بندی در قرارداد بیمه می‌انجامد.

نفع قابل بیمه به رابطه اقتصادی و بعضاً معنوی و عاطفی، میان ذی نفع قرارداد بیمه با مال یا حیات در معرض خطر اطلاق می‌گردد و از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بیمه است که تقریباً اکثر کشورهای تحت نظام کامن‌لا، فقدان آن را در قرارداد بیمه از اسباب بطلان و بی‌اعتباری قرارداد اعلام نموده‌اند. لکن در حقوق ایران نه تنها به ضمانت اجرای روشنی در این رابطه تصریح نگردیده است بلکه حتی در بیمه‌های اشخاص، نفع قابل بیمه مسکوت مانده و معیار جایگزین دیگری مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت بهتر در حوزه بیمه اشخاص برای صحت قرارداد بیمه عمر شخص ثالث یا بیمه‌ی نقصان یا شکستگی عضو شخص ثالث، رضایت بیمه‌شده شرط دانسته شده است حال آنکه در سیستم کامن‌لا، وجود رابطه معنوی یا اقتصادی میان بیمه‌شده و بیمه‌گذار شرط صحت قرارداد معرفی گردیده است.

لذا این مقاله در دو بخش تدوین گردیده است: بخش نخست به بررسی ضرورت نفع در قرارداد بیمه به تفکیک در حوزه اشخاص و خسارات می‌پردازد تا معلوم گردد که آیا رضایت بیمه‌شده می‌تواند به عنوان جایگزین مناسبی برای نفع بیمه‌ای تلقی گردد؟ به علاوه بررسی ضمانت اجرای فقدان نفع در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس، موضوع بخش دوم این مقاله خواهد بود.

ضرورت نفع قابل بیمه در قرارداد

ضرورت نفع قابل بیمه در بیمه‌های خسارت

در بیمه همیشه این شبهه مطرح بوده است که در آن، امکان «شرط بندی»^۵ وجود دارد؛ بدین معنی که بیمه‌گذار در ازای مبلغ جزئی حق بیمه، ممکن است مبالغ بسیار زیادی را دریافت کند که دریافت چنین مبالغی نیز کاملاً مبتنی بر احتمال و شانس است (صادقی نشاط، ۱۳۷۲).

اما دو نکته در مقام رد این شبهه قابل توجه است. نخست آنکه مقصود قرارداد بیمه این است که در صورت وقوع حادثه، بیمه‌گذار با دریافت خسارت به وضعیت قبل از وقوع خسارت برگردد و آسیب‌های آن جبران شود، درحالی که در شرط بندی اصلاً جبران مافات مطرح نیست بلکه کسانی که مبادرت به این اعمال می‌کنند در نظر دارند با مبلغ کمی پول، به مبالغ زیادی از دارایی دست یابند. به علاوه در شرط بندی، «تأمین»^۶ مطرح نیست بلکه بر عکس شخصی که به شرط بندی رو می‌آورد، پیوسته در دغدغه‌ی باختن دارایی‌اش به سر می‌برد که این امر، نقطه مقابل تأمین است (صادقی نشاط، ۱۳۷۲).

برخی لازمه تحقق شرط بندی را در جمع شرایط زیر خلاصه می‌کنند: نخست آنکه توافق دو جانبه‌ای میان دو شخص صورت گیرد با این هدف که با وقوع حادثه‌ای احتمالی در آینده، یک طرف، مالی از دیگری به غنیمت ببرد. دوم آنکه احتمال برد و باخت برای هر دو طرف وجود داشته باشد و مهم‌تر از آن، هیچ یک از دو طرف، غیر از گرویی که ممکن است آن را ببرد یا ببازد، نفع دیگری نداشته باشد (Patterson, 1918).

درحالی که در قرارداد بیمه این گونه نیست. در واقع ترس از پیامدهای مالی ناشی از حادثه احتمالی، بیمه‌شده را در موقعیتی قرار می‌دهد که در انعقاد قرارداد بیمه ذی نفع باشد و بیمه در صدد است تا با ضرر ناشی از موقعیت خطرناک مقابله کند. لذا خطری که موجب ضرر به دارایی بیمه‌گذار نشود، موجب نفع وی در انعقاد قرارداد نخواهد بود بلکه بیمه‌گذار را به قماربازی مبدل می‌کند که قصد برنده شدن در قرارداد و به عبارت بهتر تمایل به وقوع حادثه و ایجاد موقعیت خطرناک دارد.

ملاحظه می‌گردد که در این تحلیل، نفع به عنوان مؤلفه سازنده خطر محسوب می‌شود که بدون آن، خطر مفهومی نخواهد داشت. از همین رو می‌توان ادعا کرد وجود نفع در تعریف «خطر» مستتر است.

1. Risk
2. Premium
3. Event
4. Insurable Interest
5. Wager
6. Security

بنابراین هر گاه شخصی هیچ نفعی در تداوم وجود مالی نداشته باشد و در عین حال بر آن مال، بیمه‌ای منعقد سازد در واقع در حال شرط‌بندی کردن است، بدین معنی که شخص مزبور نه تنها از وقوع حادثه، ضرری متحمل نمی‌شود بلکه سودی بی‌جهت را نیز به غنیمت می‌برد؛ لذا نتیجه فقدان نفع، به شرط‌بندی بر مال دیگری می‌انجامد؛ معضلی اجتماعی که موجب بطالت، بیکاری، فساد و جنایت خواهد بود. از همین روست که ضرورت نفع قابل بیمه در حوزه قانون‌گذاری و رویه قضایی کشور انگلیس و از آنجا به سایر کشورهای سیستم کامن‌لا نفوذ پیدا کرد (Best jr, 1986).

به علاوه در تبیین یکی دیگر از ضرورت‌های نفع قابل بیمه گفته شده است که نفع قابل بیمه نه تنها مانع قماری شدن قرارداد می‌گردد بلکه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش مخاطرات عمدی موجب ضرر داشته باشد؛ به عبارت دیگر اگر بیمه‌گذار از تداوم وجود مال بیمه‌شده منتفع گردد، در حفاظت از آن نفع خواهد کوشید در غیر این صورت و بدون نفع قابل بیمه، وی هیچ انگیزه‌ای در این راستا نخواهد داشت بلکه از تلف مال، سود بیشتری به دست خواهد آورد. همین امر زمینه و محرک اقدام برای تخریب مال موضوع بیمه را فراهم آورده و اقدامی علیه نظم عمومی جامعه است (Best jr, 1986).

از همین رو گفته شده است نفع قابل بیمه در صدد مقابله با «مخاطره اخلاقی»^۱ یا انگیزه ارتکاب اقدام عمدی و غیراخلاقی بیمه‌گذار برای تحقق ضرر یا افزایش میزان و احتمال خسارات است.

اما با این همه نفع قابل بیمه با وجود نقشی که در تشکیل قرارداد بیمه، مقابله با شرط‌بندی و حتی جلوگیری از مخاطرات اخلاقی در حقوق بیمه بازی می‌کند، در انگلستان در حوزه بیمه‌های خسارت از بی‌اقبال و کم‌توجهی مصون نمانده است و پس از تصویب «قانون قمار» مصوب ۲۰۰۵، حقوق مربوط به نفع قابل بیمه در بیمه‌های خسارت در این کشور دستخوش تغییر قرار گرفته است؛ تغییری که به قراردادهای قماری قابلیت اجرایی اعطا می‌کند و قمار را مانع از لازم‌الاجرا شدن قرارداد و مخالف با نظم عمومی تلقی نمی‌نماید؛ به این توجیه که قمار در حوزه بیمه به ندرت اتفاق می‌افتد و در صورت وقوع آن، ممنوعیت‌های قانونی نظیر اعلام بطلان قرارداد نمی‌تواند مانع آن گردد.

مقرر فوق اگرچه با بنیان‌های حقوقی هم‌خوانی ندارد و به قراردادهای قماری قابلیت اجرایی می‌بخشد، اما مورد تأیید قانون‌گذار انگلیس واقع گردیده است. از این رو برخی بر این باورند که با وضع این قانون، نفع قابل بیمه به عنوان مرز جدایی بیمه و شرط‌بندی از میان برداشته شده و لذا برای اعتبار قرارداد بیمه نیازی به احراز نفع وجود ندارد (The Law Commission and The Scottish Law Commission, 2008).

طراحان این دیدگاه بر این عقیده‌اند که تحولات مربوط به نفع بیمه‌ای در سال ۲۰۰۵ میلادی در انگلستان، هرچند موجب حذف دکترین نفع لاقط در حوزه بیمه‌های خسارت غیردریایی گردیده است اما نتوانسته محدود عمل اصل جبران خسارت را در بیمه‌های خسارت تحت تأثیر قرار دهد. زیرا اصل جبران خسارت، حذف نفع قابل بیمه را از سیستم حقوقی توجیه می‌کند. به عبارت دیگر اصل جبران خسارت می‌تواند از یکسو با مخاطرات اخلاقی در این حوزه مقابله نماید و از سوی دیگر از قماری شدن قرارداد جلوگیری کند. در واقع با وجود بی‌اثر شدن نفع قابل بیمه، همچنان اصل جبران خسارت، به عنوان بنیان اساسی قراردادهای بیمه خسارت و لازمه امکان مطالبه خسارت از بیمه‌گر اعمال می‌شود. زیرا در راستای اعمال این اصل، بیمه‌گذار ناگزیر است که ورود ضرر به خود را ثابت کند و اثبات ضرر مستلزم احراز وجود حداقل «نفع» در مال بیمه‌شده برای بیمه‌گذار است (The Law Commission and the Scottish Law Commission, 2008).

اما تحلیل فوق از سوی کمیته ۱۷ نفره حقوق بیمه کانون وکلای لندن مورد انتقاد قرار گرفت، بدین توضیح که اولاً وضع ماده ۳۳۵ قانون قمار مصوب ۲۰۰۵ هیچ دلالت قطعی مبنی بر حذف ضرورت شرط نفع بیمه‌ای ندارد، به علاوه هر چند اصل جبران خسارت در مقابله با مخاطره اخلاقی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند اما هرگز نمی‌تواند مانع تبدیل بیمه به شرط‌بندی گردد لذا به هیچ روی نمی‌توان به حذف شرط نفع بیمه‌ای در قرارداد اندیشید (The City Of London Law Society, 2008).

به زعم نگارنده آنچه موجب می‌شود که برخی نویسندگان حقوق انگلستان، در تعیین مرز دقیق اعمال اصل جبران خسارت و نفع قابل بیمه، اشتباه نمایند، آن است که به جای اینکه نفع را به عنوان عنصر اساسی تشکیل‌دهنده قرارداد و رکن ضروری احراز خطر تلقی نمایند، آن را به عنوان معیار تخمین ضرر در زمان اجرای تعهد بیمه‌ای مورد توجه قرار می‌دهند. از این رو به منظور جلوگیری از اختلاط مفهوم «نفع قابل بیمه» و «اصل جبران خسارت» لازم است که حدود اعمال این اصل و کارکرد آن در قرارداد مورد شناسایی قرار گیرد؛ توضیح آن که اصل جبران خسارت هیچ نقشی در انعقاد قرارداد ندارد بلکه تنها در لحظه اجرای تعهد بیمه‌ای، برای تعیین ضرر واقعی متحمل شده توسط

1. Moral Hazard

2. Gambling Act, 2005

بیمه‌گذار و مقابله با افزایش ناروای دارایی او، کارکرد دارد. در واقع مرحله اعمال «اصل جبران خسارت»، پس از تشکیل قرارداد و پس از احراز تمامی شرایط آن (از جمله نفع قابل بیمه)، یعنی زمان وقوع حادثه و اجرای تعهد قراردادی خواهد بود، این در حالی است که «نفع قابل بیمه» به عنوان مؤلفه تشکیل‌دهنده خطر لازم است در لحظه انعقاد قرارداد احراز گردد. لذا اصل جبران خسارت هیچ کارکردی برای مقابله با شرط‌بندی در قرارداد ایفا نمی‌کند.

از همین رو در حقوق ما سخن از حذف کامل ضرورت نفع از قرارداد یا اعطای قابلیت اجرایی به قراردادهای قماری، نه تنها مخالف مبانی حقوقی، نظم عمومی و اخلاق حسنه جامعه و در نقض صریح ماده ۶۵۴ قانون مدنی خواهد بود، بلکه فقدان آن در قرارداد با اعمال اصل جبران خسارت نیز جبران نمی‌شود.

ضرورت نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص

گاه در هنگام انعقاد قرارداد بیمه عمر، بیمه‌گذار، خطر فوت خود را بیمه می‌کند؛ بدین معنی که در صورت فوت شخص بیمه‌گذار در مدت اعتبار بیمه‌نامه، این امکان فراهم می‌شود که سرمایه بیمه به اعضای خانواده یا اشخاص تعیین شده توسط وی پرداخت گردد. اما گاهی بیمه‌شده شخصی غیر از بیمه‌گذار است؛ به عنوان نمونه بیمه‌گذار، خطر فوت بدهکار خود یا خطر فوت یکی از خویشان نزدیک را بیمه می‌کند و برای تحصیل بیمه‌نامه‌ای بر حیات ثالث اقدام می‌نماید، در این صورت در کامن‌لا این بحث اساسی مطرح شده که چه کسانی می‌توانند در چهارچوب این رابطه، نفع قابل بیمه‌ای برای خود متصور باشند؟ آیا بیمه‌گذاری که هیچ رابطه اقتصادی یا عاطفی با بیمه‌شده ندارد می‌تواند بر حیات او بیمه‌نامه تحصیل کند تا در صورت فوت او عواید بیمه به وی پرداخت گردد؟ در این فرض لزوم وجود نفع قابل بیمه برای بیمه‌گذار در حیات بیمه‌شده بیش از پیش آشکار می‌شود.

با این وجود مکتب ایرانی در ماده ۲۳ قانون بیمه با تأسی از ماده ۲-۱۳۲ قانون بیمه فرانسه، وجود رضایت کتبی بیمه‌شده را شرط صحت قرارداد بیمه عمر و بیمه شکستگی عضو ثالث، قرار داده و از ضرورت وجود نفع در این حوزه سخنی به میان نیاورده است، بلکه رضایت بیمه‌شده را، جایگزین احراز نفع قابل بیمه تلقی نموده است. این در حالی است که ماده یک قانون بیمه عمر ۱۷۷۴ انگلیس^۱ بر این نکته تأکید دارد که بیمه‌گذار باید دارای نفع در حیات بیمه‌شده باشد. با وجود این حقوق این کشور هیچ تعریفی از نفع و محدوده آن در بیمه‌های اشخاص ارائه ننموده است. لذا پیش از بحث از ضرورت نفع بیمه‌ای لازم است مختصری با مفهوم آن در حوزه بیمه‌های اشخاص آشنایی حاصل گردد. در خصوص ماهیت و مفهوم نفع با توجه به سکوت قانون بیمه عمر انگلستان در ارائه تعریف مناسب، رویه قضایی و قوانین پس از آن، سال‌ها در پی تدوین قواعدی قابل استناد در این رابطه بوده‌اند. نتیجه این تلاش در جهت ارائه مفهومی از نفع بیمه‌ای در بیمه اشخاص، منجر به چند طبقه‌بندی اصلی برای تعیین نفع قابل بیمه گردید:

- نفع ناشی از علاقه و رابطه ذاتی و طبیعی: در حقوق انگلیس علاقه هر شخص نسبت به حیات خود یا حیات همسرش تنها مصادیق این دسته محسوب می‌شود.

خصوصیت بارز نفع در این طبقه، عدم نیاز به اثبات وجود نفع اقتصادی قابل بیمه است. روابط والدین و فرزندان از شمول این دسته خارج است. به عبارت دیگر هر چند اطفال صغیر از مرگ والدین خود متحمل ضرر مادی خواهند گردید اما در حقوق انگلستان هیچ حق قانونی برای فرزندان نسبت به دریافت نفقه از سوی والدین در نظر گرفته نشده است و در فقدان هر گونه تعهد قانونی بر عهده والدین نسبت به فرزندان و بر عکس، تصور نفع بیمه‌ای برای والدین و فرزندان در عمر یکدیگر امکان‌پذیر نیست (Birds and Hird, 2001).

- نفع ناشی از ضرر اقتصادی احتمالی که به لحاظ حقوقی بازشناسی شده است: نمونه‌های متعارف این نوع از نفع که به موجب ماده ۳ قانون بیمه عمر ۱۷۷۴ به میزان ارزش اقتصادی آن نفع، محدود گردیده است عبارتند از:

• نفع طلبکار در حیات بدهکار خود به میزان طلب مورد ادعا؛ در حقوق بیمه انگلستان ثابت گردیده است که طلبکار در حیات بدهکار خود نفع بیمه‌ای دارد؛ زیرا مرگ وی می‌تواند بر طلبکار، ضرری مالی تحمیل کند (Birds and Hird, 2001).

• نفع کارفرما در حیات کارمند کلیدی‌اش به میزان ارزش دوران استخدام وی از بابت هزینه‌های احتمالی مربوط به استخدام نیروی تازه، تعلیم نیروهای جدید و جایگزینی آن: بدین توضیح که از آنجایی که هر کارفرما از تداوم حیات نیروهای کلیدی‌اش سود می‌برد و از دست‌دادن چنین نیروهایی موجب ایجاد هزینه‌های قابل ملاحظه برای کارفرما خواهد بود، لذا در تحصیل بیمه‌نامه بر حیات آنها دارای نفع قابل بیمه تلقی می‌شود.

1. Life Assurance Act 1774 <<http://www.legislation.gov.uk/apgb/Geo3/14/48/contents>>, [Accessed]

ضابطه این دسته از نفع، مالی بودن و قابل ارزیابی بودن آن به پول است ضمن اینکه این نفع باید به لحاظ حقوقی در دادگاه‌های کامن‌لا مورد تأیید و شناسایی قرار گرفته باشد (Birds and Hird, 2001).

- نفع ناشی از مقررات قانونی: از مصادیق این نوع از نفع می‌توان به ماده ۱۱ «قانون مالکیت زنان متأهل مصوب ۱۳۸۲»^۱ اشاره کرد که در آن به هر زن متأهلی اجازه می‌دهد که به سود خود بر عمر همسرش قرارداد بیمه منعقد کند.^۲ بنابراین با توجه به رویه قضایی و دکترین مورد اقبال در انگلیس، نفع قابل بیمه به استثنای روابط زوجین باید بر پایه‌ای مالی استوار باشد. از این‌رو صرف روابط فامیلی و خونی، مؤید وجود نفع نخواهد بود. لذا والدین و فرزندان بالغ آنان حقی برای بیمه کردن بر حیات یکدیگر ندارند مگر آنکه ظاهراً از رابطه آنان وجود نفع مالی احراز گردد یا مقرره‌ای قانونی چنین نفعی را مفروض بداند. اما در ایالات متحده مفهوم نفع در بیمه‌های اشخاص با محدودیت‌های کمتری روبرو بوده است و بسیاری از قوانین ایالتی آمریکا صراحتاً روابط خونی و عاطفی را موجد نفع بیمه‌ای تلقی نموده‌اند. چرا که به زعم آنها این رابطه معنوی و غیرمادی به نحو مؤثرتری نسبت به ملاحظات مادی، می‌تواند حامی حیات بیمه‌شده باشد (Best jr, id).

پس از آشنایی اجمالی با مفهوم نفع بیمه‌ای در بیمه‌های اشخاص لازم است به بررسی ضرورت آن در قرارداد بیمه پرداخته شود. هر چند یکی از دلایل ضرورت نفع در قرارداد بیمه، مقابله با مخاطره اخلاقی است (Patterson, 1918)، اما به زعم نگارنده مقابله با سوء قصد ذی‌نفعان بیمه، علیه حیات بیمه‌شده، به صرف تعیبه شرط نفع قابل بیمه یا اعلام بطلان قرارداد بیمه، محقق نخواهد شد. زیرا وجود قوانین و مقررات جزایی و نیروهای امنیتی، خود می‌تواند به بازدارندگی از مخاطرات اخلاقی کمک نموده و مؤثرتر از شرط نفع، از ارتکاب قتل و عمل مجرمانه علیه بیمه‌شده جلوگیری نماید. آنچنان که بند دو ماده ۹ از شرایط عمومی قرارداد نمونه بیمه عمر در ایران (بایبی، ۱۳۸۷) یا به عنوان نمونه «قانون قراردادهای بیمه‌ای آلمان»، ضمن جایگزینی رضایت بیمه‌شده، از روش بازدارنده دیگری نیز برای مقابله با این مخاطره اخلاقی بهره جستند. ماده ۱۶۲ این قانون هرگونه سوء قصد و سلب حیات عمدی بیمه‌شده از سوی بیمه‌گذار یا ذی‌نفع بیمه‌نامه عمر را از موجبات محرومیت اشخاص اخیر از عواید بیمه‌نامه و معافیت بیمه‌گر از تعهدات قراردادی خود اعلام می‌کند. (Insurance Contract, 2008)

لذا برخلاف آنچه تصور می‌شود نفع قابل بیمه نقش چندانی برای مقابله با مخاطره اخلاقی ایفا نمی‌کند بلکه در واقع نقش اصلی نفع قابل بیمه را می‌توان در تشکیل قرارداد و مقابله با شرط‌بندی در بیمه دانست. برخی نظام‌های حقوقی همچون حقوق بیمه ایران، «رضایت بیمه‌شده» را به عنوان معیار جایگزین نفع قابل بیمه در نظر گرفته‌اند؛ این در حالی است که رضایت بیمه‌شده نمی‌تواند هدف و ضرورت اصلی نفع قابل بیمه (یعنی مقابله با شرط‌بندی) را تأمین نماید. زیرا رضایت بیمه‌شده ثالث تنها به معنی رابطه‌ای اجتماعی مبتنی بر اعتماد بین بیمه‌گذار و بیمه‌شده است. چنین رابطه‌ای، به ما اجازه نمی‌دهد که نفع قابل بیمه‌ای را برای بیمه‌گذار مفروض بدانیم. رضایت بیمه‌شده تنها نشان می‌دهد که ثالث به دلیل احساس علاقه یا دلایل دیگر، با انعقاد قرارداد بیمه بر عمر خود موافقت نموده است. اما این رابطه عاطفی موجد رضایت، لزوماً دو طرفه نیست. اگر بیمه‌گذار هیچ پیوند مادی یا معنوی با بیمه‌شده نداشته باشد، هیچ نفعی در حیات او نخواهد داشت، پس نفعی قابل بیمه و در معرض خطر برای او متصور نیست. در این حالت بیمه‌گذار حتی با وجود رضایت بیمه‌شده در حال انعقاد قرارداد بر حیات ثالثی است که هیچ نفعی در آن حیات ندارد و این قرارداد را نمی‌توان بیمه تلقی کرد.

در واقع رضایت بیمه‌شده، نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نفع قابل بیمه تلقی شود بلکه صرفاً در جهت مقابله با مخاطره اخلاقی، کارایی دارد. بدین معنی که بیمه‌شده تنها زمانی که از میزان درجه پیوند عاطفی بیمه‌گذار با خود مطمئن شود به او رضایت می‌دهد تا بر عمرش بیمه تحصیل کند و تا زمانی که اطمینان حاصل نکند که بیمه‌گذار از تحصیل قرارداد بر عمر او، قصد خاصی برای دستیابی به عواید بیمه ندارد، رضایت‌نامه را امضا نمی‌کند.

البته تحمیل شرط رضایت بیمه‌شده، گاه می‌تواند مسائل و مشکلاتی چند را به همراه آورد. به عنوان نمونه در مواردی که بیمه‌شده حتی با وجود نفع معتبر در حیات خود، نسبت به تحصیل بیمه‌نامه، رضایت نداشته باشد، چه باید کرد؟ آیا به صرف عدم رضایت بیمه‌شده باید از انعقاد قرارداد بیمه انصراف داد؟

1. Married Women's Property Act, 1882.

2. [http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/75/section/11\(12/18/2012\)](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/45-46/75/section/11(12/18/2012))

یا عملاً در وضعیت‌های تجاری، در صورتی که به‌طور مثال بانک، قصد بیمه بر حیات بدهکارانش را داشته باشد یا کارفرمایی بخواهد حیات کارمندان کلیدی‌اش را بیمه کند، تحصیل رضایت بیمه‌شده، باری اضافه بر دوش بیمه‌گذار تحمیل می‌کند در صورتی که در موارد فوق، شائبه مخاطره اخلاقی تقریباً به صفر می‌رسد.^۱

با وجود مشکلات احتمالی فوق به نظر نگارنده، جمع هر دو شرط در کنار هم می‌تواند به نحو مؤثرتری اهداف نفع قابل بیمه را تأمین کند؛ بدین معنی که در واقع ضرورت وجود رضایت بیمه‌شده در بیمه‌های اشخاص نه از حیث مقابله با قماری شدن قرارداد، بلکه به عنوان یک شرط اخلاقی باید هم‌زمان با وجود نفع، احراز گردد. زیرا این منصفانه نیست که قراردادی بر مرگ یا هستی دیگری ولی بدون رضایت او امکان تحقق داشته باشد. لذا به نظر می‌رسد تلفیق این دو شرط در قراردادهای بیمه‌ی اشخاص، ضمن حفظ جنبه تأمینی آن و مقابله با شرط‌بندی در قرارداد، از ملاحظات اخلاقی نیز برخوردار بوده و نقش بسزایی در کاهش مخاطرات اخلاقی در این حوزه خواهد داشت.

ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه

بیمه‌های خسارت

با توجه به سکوت قانون ایران در رابطه با ضمانت اجرای فقدان نفع در قرارداد بیمه خسارت، در این قسمت به بررسی ضمانت اجرای احتمالی خواهیم پرداخت.

بطالان

- بطلان در حقوق ایران

با توجه به ضرورت‌های نفع قابل بیمه در این بخش لازم است ضمانت اجرای حقوقی فقدان آن در قرارداد را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. قانون‌گذار ایران در خصوص ضمانت اجرای فقدان نفع در بیمه‌های خسارت، مقررهای را وضع ننموده است. سکوت قانون در تدوین آثار حقوقی ناشی از فقدان نفع، با وجود تأکید بر ضرورت وجود آن در قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، قابل انتقاد به‌نظر می‌رسد. ماده ۴ این قانون مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد اعم از عین یا منفعت یا هر حق مالی یا هر نوع مسئولیت حقوقی، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار نسبت به بقاء آنچه بیمه می‌دهد، ذی‌نفع باشد و همچنین ممکن است بیمه برای حادثه یا خطری باشد که از وقوع آن، بیمه‌گذار متضرر می‌گردد»

با توجه به این امر لازم است تا با توجه به مبانی موجود در نظام حقوقی کشور، بهترین و مؤثرترین ضمانت اجرا برای تأمین اهداف قانون‌گذار از تدوین این ماده مورد تحلیل قرار گیرد.

بی‌تردید انواع ضمانت اجرای حقوقی نظیر بطلان و عدم نفوذ، قواعدی هستند که در قوانین برای انعقاد و اعتبار عقد مقرر شده‌اند که یکی از طرق تشخیص اعمال هر یک، توجه به هدف و مقصود غایی قانون‌گذار در تعیین هر یک از آنهاست. «بی‌تردید هر جا حمایت از حقوق و منافع عمومی در میان باشد و در حکومت اراده با مصالح اجتماعی تزامنی پدیدار شود، بطلان، اولین و اساسی‌ترین ضمانت اجرا خواهد بود و بی‌گمان تنفیذ قرارداد امکان ندارد و تنها آنگاه که منافع شخص معینی ایجاب کند سرنوشت عقد به اراده او سپرده می‌شود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف).

در فرضی که شخص ثالثی غیر از دارنده واقعی نفع قابل بیمه، اقدام به تحصیل بیمه‌نامه بر مال موضوع بیمه نماید ممکن است این ایراد مطرح گردد که از آنجاکه شخص مزبور هیچ رابطه حقوقی با مال ندارد از این رو نمی‌تواند واجد نفعی قابل بیمه تلقی شود. در این صورت این پرسش قابل طرح است که برخورد قانونی مناسب با قرارداد بیمه منعقدشده چگونه خواهد بود؟

پیش از پاسخ به این سؤال لازم است موضع حقوق فرانسه را به عنوان یکی از خاستگاه‌های اصلی قانون بیمه ایران مورد بررسی قرار دهیم. در حقوق این کشور با وجود سکوت قانون در رابطه با ضمانت اجرای فقدان نفع در بیمه خسارت، به قصد مقابله با شرط‌بندی اشاره گردیده و با

^۱ به همین دلیل حقوق بیمه‌کانادا، تنها رضایت بیمه‌شده را به عنوان گزینه جایگزین در مواردی اعمال می‌کند که نتواند نفع مادی یا ذاتی قابل بیمه‌ای را در قرارداد احراز کند. رک به:

تصریح به ضرورت نفع، نبود آن موجب بطلان قرارداد دانسته شده است. به زعم حقوقدانان فرانسوی در واقع بیمه‌گذار بدون نفع، در صورت وقوع حادثه در معرض هیچ خطری قرار نمی‌گیرد و تنها در صدد تحصیل بیمه‌نامه به سود خود صرف‌نظر از قصد تأمین حمایتی آن است. این موضوع که بیمه‌گذار بدون نفع با تحصیل بیمه‌نامه، سود خود را تأمین می‌کند، قابل انکار نیست اما این نفع در واقع نتیجه و اثر قرارداد است نه علت و انگیزه غایی آن. به عبارت بهتر قانون‌گذار فرانسه با ضروری دانستن نفع در قرارداد بیمه درصدد مسدود کردن تمامی راه‌های شرط‌بندی در قرارداد بیمه بوده است (Groutel and Leduc, 2008). در واقع بیمه‌گذار بدون نفع، سودی به غنیمت می‌برد اما نه در جهت حفظ مال که در اتلاف آن و وقوع حادثه.

در حقوق فرانسه و در تئوری مدرن بطلان قرارداد، یکی از معیارهای تعیین ضمانت اجرای مقرر برای اعمال حقوقی، تمسک به قواعد مربوط به نظم عمومی و بررسی نقض یا عدم نقض آن، از سوی طرفین قرارداد است. در این کشور چنانچه نقض قاعده حقوقی، نفع عمومی را مختل نماید قرارداد با «بطلان مطلق»^۱ مواجه می‌شود و چنانچه با نفع خصوصی و منافع شخصی افراد برخورد کند با ضمانت اجرای «بطلان نسبی»^۲ مواجه خواهد گردید.

در حالی که در تئوری کلاسیک بطلان، هرگاه یکی از شرایط اساسی قرارداد نقض گردد، قرارداد محکوم به بطلان مطلق خواهد بود و چنانچه شرایط ضروری قرارداد جمع بوده و تنها نقضی در آن حادث شود (عدم رضایت)، این موضوع به بطلان نسبی قرارداد خواهد انجامید (Provost, 2009).

اینکه نفع بیمه‌ای زیرمجموعه کدام یک از شرایط فوق باشد در حقوق فرانسه محل بحث قرار گرفته است. اگر نفع بیمه‌ای را به عنوان شرط سازنده خطر تلقی کنیم، ضمانت اجرای فقدان نفع منطقیاً همان ضمانت اجرای نبود خطر در قرارداد خواهد بود. در حقوق این کشور نفع در عدم وقوع خطر، موضوع تأمین بیمه‌گر است (Proust, 2009)؛ عبارات ماده ۶-۱۲۱ قانون بیمه فرانسه منبعت از «قانون راجع به قرارداد بیمه» مصوب ۱۹۳۰ این موضوع را تأیید می‌کند: «هر شخصی که در حفظ مال نفع دارد می‌تواند بیمه تحصیل کند. هر نفع مستقیم یا غیرمستقیم در عدم وقوع خطر می‌تواند موضوع بیمه واقع شود.» (Code des Assurances, 1995).

ملاحظه می‌شود که نفع در حقوق این کشور با توجه به ماده فوق به عنوان «موضوع قرارداد بیمه»^۴ در نظر گرفته شده است: «هر نفع مستقیم یا غیر مستقیم، می‌تواند موضوع بیمه قرار گیرد...» همین امر سبب شده است تا تعاریف دکتربین این کشور نیز گاه به سمت و سوی تلفیق مفهوم نفع با موضوع قرارداد متمایل شود (Groutel and Leduc, 2008). بدین ترتیب قرارداد بدون موضوع در واقع از شرط ضروری برای ایجاد، محروم می‌شود^۵ و در فقدان شرط اعتبار قرارداد، بطلان مطلق، بهترین ضمانت اجراست.

نفع بیمه‌ای به عنوان شرط تشکیل‌دهنده خطر در قرارداد بیمه، در حقوق ما نیز می‌تواند تحت عنوان موضوع قرارداد مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا ماده ۴ قانون بیمه ایران مقرر می‌دارد: «موضوع بیمه ممکن است مال باشد ... یا هر حق مالی...» از همین رو نفع مستند به ماده ۱۹۰ قانون مدنی می‌تواند از عناصر اساسی تشکیل قرارداد محسوب گردد که فقدان آن به نبود موضوع برای قرارداد منتهی می‌شود و قرارداد به علت نداشتن موضوع، باطل اعلام می‌گردد.

توجیه بطلان قرارداد بدون نفع از منظری دیگر نیز قابل طرح است؛ تحصیل بیمه‌نامه از سوی شخص فاقد نفع، قرارداد بیمه را به ابزاری برای پوشش شرط‌بندی مبدل خواهد کرد که مستنداً به ماده ۶۵۴ قانون مدنی از اسباب بطلان آن خواهد گردید و کلیه دعاوی راجع به آن قابلیت استماع نخواهد داشت.

حتی گاه می‌توان از این هم فراتر رفت و قائل شد که در قراردادی که بر اساس نفع بیمه‌ای و اصل غرامت منعقد نشده باشد، حسن نیت بیمه‌گذار، محل تردید است و امکان تقلب و تدلیس از ناحیه او قابل تصور خواهد بود (مشایخی، ۱۳۴۹) و به تبع می‌توان ضمانت اجرای سختگیرانه ماده ۱۲ قانون بیمه را بر این قرارداد تحمیل کرد و پس از اعلام بطلان قرارداد، بیمه‌گذار را از مطالبه حق بیمه‌های پرداختی نیز محروم نمود. لذا محتمل است که عدم وجود نفع بیمه‌ای و مخفی نگه داشتن این نقصان را از مصادیق اعمال این ماده تلقی کنیم. بدیهی است برای احراز چنین سوءنیتی، پاسخ‌های بیمه‌گذار به سؤالات بیمه‌گر در تقاضانامه بیمه می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

1. Nullité Absolue

2. Nullité Relative

3. LOI DU 13 JUILLET 1930 relative au contrat d'assurance. available at : <http://www.comores-droit.com> (6/3/2012)

4. Objet de l'assurance

5. Article 1108 de code civil, available at: <http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?cidTexte=LEGITEXT000006070721&idArticle=LEGIARTI000006436119&dateTexte=20120830> (7/12/2012)

اما به نظر می‌رسد اعمال ماده ۱۲ قانون بیمه به راحتی امکان‌پذیر نیست. اینکه آیا حقیقتاً هدف اصلی و مستقیم بیمه‌گذار، انعقاد قرارداد بیمه برای پوشش معامله‌ای قماری بوده است و اینکه به صورت ضمنی یا باتوجه به اوضاع و احوال قضیه بتوان تحصیل بیمه‌نامه را اماره‌ای بر انگیزه نامشروع و غیر اخلاقی بیمه‌گذار تلقی کرد، با توجه به اصل حسن نیت در قرارداد، استنباط آسانی نیست و این امر، بار سنگینی را برای اثبات سوءنیت بیمه‌گذار، بر بیمه‌گر تحمیل می‌کند.

- بطلان در حقوق انگلستان

در حقوق انگلیس تا پیش از تردیدهای ناشی از تصویب ماده ۳۳۵ قانون قمار ۲۰۰۵، نبود نفع در قرارداد بیمه، نوعی مخالفت با نظم عمومی اساسی تلقی می‌شد و از این‌رو هرگاه بیمه‌گذار فاقد چنین نفعی بود قرارداد «غیر قابل الزام» و «باطل» اعلام می‌گردید. ماده ۴ قانون بیمه دریایی ۱۹۰۶ صراحتاً اعلام می‌دارد: «هر قرارداد بیمه دریایی به صورت قمار یا شرط‌بندی باطل است. قرارداد بیمه در صورتی مشمول این حکم قرار می‌گیرد که:

- بیمه‌گذار از نفعی قابل بیمه مطابق با تعریف این قانون، برخوردار نباشد یا قرارداد را بدون انتظار تحصیل چنین نفعی منعقد سازد؛
- بیمه‌نامه به صورت مطلق صرفنظر از «وجود یا عدم وجود نفع» یا «بدون اثبات نفعی غیر از خود بیمه‌نامه» یا «بدون تصور سودی از مطالبه خسارت از بیمه‌گر» منعقد گردد.^۱

براین اساس تمامی بیمه‌نامه‌های قماری و شرط‌بندی و بیمه‌نامه‌هایی با شرط «بیمه‌نامه دلیل وجود نفع»^۲ فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. به علاوه صرف‌نظر از مقرر فوق، بیمه‌نامه «دلیل وجود نفع» به دلیل مغایرت با نظم عمومی محکوم به بطلان است. با وجود برخی ضرورت‌های تجاری برای بیمه‌نامه‌های با شرط «بیمه‌نامه دلیل وجود نفع»، دادگاه‌های انگلستان با موضعی سختگیرانه هرگونه قدرت الزام‌آوری را از آنها سلب می‌کنند، به‌نحوی که بیمه‌نامه‌های مزبور تنها به عنوان تعهدی طبیعی و به لحاظ اعتباری قابلیت اجرایی دارد. لذا در مواردی که وجود شرط مزبور حتی در اثبات رسیدگی، مورد ایراد بیمه‌گر نیز قرار نگرفته باشد، دادگاه‌ها به دلیل ملاحظات مربوط به قماری شدن قرارداد، از اعطای اعتبار به این بیمه‌نامه‌ها اجتناب می‌کنند. نتیجه آنکه بیمه‌نامه‌های ناقض نظم عمومی از سوی دادگاه قابل الزام و اجرا نبوده و باطل تلقی می‌شود. از این‌رو دادگاه‌ها غالباً بیمه‌نامه‌هایی را که دربردارنده شرط «تمام منافع تأیید شده» است، باطل اعلام می‌کنند.

(Berridge v. The Man On Insurance Co.(1887) 18 Q. B. D. 346, Cited in: Porter, Craies & Morgan, 1933)

لذا در حقوق انگلستان تا پیش از قانون قمار مصوب ۲۰۰۵، ادعای عدم وجود نفع، ایرادی بود که نه تنها از سوی بیمه‌گر قابل استناد بود بلکه حتی دادگاه نیز رأساً می‌توانست آن را ملاک بی‌حقی خواهان در دعوا قرار دهد.

به زعم برخی نویسندگان حتی در فرضی که بیمه‌گر از استناد به عدم مشروعیت قرارداد بیمه، چشم‌پوشی می‌کند و در فقدان هر گونه نفعی به بیمه‌گذار مبالغ بیمه را می‌پردازد، این به معنی تجویز بیمه‌نامه‌های فاقد نفع تلقی نمی‌شود زیرا قوانین بیمه انگلستان چنین قراردادی را باطل اعلام می‌کنند و ضمن تکلیف دادگاه‌ها به توجه به این ایراد، به طرفین اجازه انصراف از اعمال قانون را نمی‌دهند (Macgillivray, 1990).

عدم نفوذ

در کنار تحلیل‌های فوق، در حقوق ما امکان تمسک به ضمانت اجرای عدم نفوذ در قراردادهای فاقد نفع، خالی از وجه به‌نظر نمی‌رسد. در خصوص معیار تمیز عقد «غیر نافذ» و «باطل»، گفته شده است که در مواردی که عقد با نظم عمومی یا اخلاق برخورد نماید باید آن را در حکم موردی انگاشت که نفوذ عقد از نظر عقلی ممنوع است. اما در مواردی که در ارکان عقد، عیبی حاصل شود یا عمل حقوقی به دلیل حفظ منافع اشخاص ثالث و مصلحت غیر، از نفوذ باز می‌ایستد، عدم نفوذ بهترین ضمانت اجرا محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵ ب).

از این‌رو به نظر می‌رسد که راه حل ثانوی در جهت تعیین ضمانت اجرای تحصیل بیمه‌نامه اشیاء بر نفع متعلق به غیر، تمسک به قواعد حاکم بر معاملات فضولی است. در این راستا نفع بیمه‌ای را می‌توان در ذیل میحث مربوط به سمت در قرارداد مورد بررسی قرار داد. توضیح آنکه در هر قرارداد لزومی ندارد، طرف معامله برای خود معامله کند و اصیل باشد؛ در بسیاری از قراردادهای، این امکان وجود دارد که دو طرف یا یکی از آنها به نمایندگی در تراضی شرکت کنند.

1. <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/Edw7/6/41/section/4>, (4/2/2012)

2. Policy Proof of Interest (P.P.I.)

گاه دیده می‌شود که شخصی عمداً یا به موجب اشتباه و بدون داشتن نمایندگی، برای دیگری معامله می‌کند. بی‌گمان چنین معامله‌ای نفوذ حقوقی ندارد، لیکن آثاری بر جا می‌گذارد که تحلیل آن با نظریه نمایندگی ممکن است (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف).

به‌طور کلی معاملات فضولی به لحاظ تحلیل اراده فضول به دو گروه قابل تقسیم است: معاملاتی که از طرف فضول و در واقع به نام و حساب مالک و برای او انجام می‌گیرد و تابع قسمت اخیر ماده ۶۷۴ قانون مدنی و نوعی نمایندگی فضولی بوده و تنها با اجازه بعدی مالک، می‌توان تعهد به پرداخت حق بیمه و سایر تکالیف قراردادی را بر او تحمیل کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵ ب).

گاه عقد تنها به عنوان رابطه‌ی میان دو دارایی، مورد نظر قرار می‌گیرد و در آن بر جابه‌جایی عوضین از دارایی دو طرف بیش از صلاحیت معامله‌کننده فضولی توجه می‌شود؛ بدین معنی که حتی به معاملاتی که از طرف فضول و به نام و حساب خود او و نسبت به عین خارجی متعلق به دیگری واقع می‌گردد، چهره‌ای از نمایندگی اعطا می‌شود تا جایی که ماده ۱۹۷ قانون مدنی بر خلاف مبنای حکومت اراده بر عقد، اعلام می‌دارد: «در صورتی که ثمن یا مثن معامله، عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود». در این صورت اجازه مالک به‌طور مستقیم به معامله باز می‌گردد و توجهی به صلاحیت معامله‌کننده نمی‌شود و نفوذ معامله در دارایی مالک، با رضای بعدی او تأمین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵ الف).

در فرض تحصیل بیمه‌نامه بر نفع متعلق به غیر نیز همین وضعیت قابل تصور است. در واقع بیمه‌گذار بدون نفع را می‌توان در حکم فضول و تابع احکام آن تلقی کرد. بدین معنی که شخص مزبور نسبت به نفع متعلق به غیر، قراردادی منعقد کرده و از این جهت اقدام او، نوعی تصرف فضولی به حقوق مالی صاحب نفع فرض می‌شود و قرارداد بیمه تنها با اعلام رضایت بعدی مالک، برای او محسوب می‌گردد. در این صورت عمل حقوقی بیمه‌گذار فضولی، نسبت به دارایی دارنده واقعی نفع و پس از اعلام رضایت وی، برای او محسوب می‌شود و مستقیماً به دارایی او می‌پیوندد.

در همین رابطه در سال ۱۹۹۳ رأیی در فرانسه صادر شد که بعد از صدور آن، برخی نویسندگان به عنوان مصداقی از نمایندگی قانونی در رابطه با نفع بیمه‌ای، از آن یاد کردند.

پرونده مربوط می‌شد به قرارداد بیمه‌ای که از سوی شوهری نسبت به جواهرات همسرش منعقد شده بود تا جواهرات مزبور را در مقابل خطر سرقت، تحت پوشش قرار دهد. پس از وقوع خطر مورد بیمه و استنکاف بیمه‌گر از تعهدات قراردادی، بیمه‌گذار برای مطالبه مبالغ خسارت، در دادگاه اقامه دعوا کرد. دادگاه به استناد تصرف خواهان در مال بیمه‌شده، مبادرت به صدور رأی علیه شرکت بیمه کرد و ایراد بیمه‌گر را در خصوص فقدان نفع برای بیمه‌گذار، مردود دانست. دادگاه اعلام نمود که تصرف خواهان موجب نفع قابل بیمه برای وی محسوب می‌شود و او را در دعوی مطالبه علیه بیمه‌گر مستحق معرفی کرد (Povost, 2009).

نویسندگان حقوق فرانسه غالباً توجیه دادگاه در این قضیه را قابل خدشه تلقی می‌کنند. زیرا در این مورد تنها جواهرات مورد ادعا، پس از جدایی زوجین، در منزل زوج به جا مانده بود و وی هیچ تصرفی در آن به لحاظ حقوقی نداشت. از این رو برخی بر این باورند که «اگر به زعم دادگاه، قرارداد بیمه معتبر است و به بیمه‌گذار فاقد نفع، اجازه مطالبه خسارت و نگهداری وجوه آن را اعطا می‌کند، این اعتباربخشی، باید به طریقی توجیه شود؛ راه حل پیشنهادی، اعطای «نمایندگی قانونی»^۱ قرارداد به بیمه‌گذار است.» (Groutel and Leduc, 2008).

در حقوق انگلیس نیز در مواردی که قرارداد بیمه، بدون اطلاع یا رضایت صاحب نفع منعقد می‌گردد، دکتترین «تنفیذ»^۲ اعمال می‌شود. اما تمسک به دکتترین مزبور مستلزم آن است که بیمه‌گذار فاقد نفع از طرف شخص اصیل (دارنده نفع)، قرارداد بیمه را منعقد نموده باشد. به عبارت دیگر شرط اساسی اعمال دکتترین «تنفیذ» آن است که فضول از طرف خود عمل نکرده و قصد ملتزم نمودن اصیل معین یا قابل تعیین را داشته باشد. به بیان بهتر تنها در صورتی که در زمان انعقاد قرارداد رابطه‌ی نمایندگی بر طرف معامله آشکار شود، می‌توان به امکان تنفیذ بعدی قرارداد امیدوار بود در غیر این صورت اصیل افشا نشده پس از انعقاد قرارداد نمی‌تواند عمل فضول را اجازه کند بلکه در این فرض فضول شخصاً مسئول جبران خسارات وارده خواهد بود (Schmitthoff, 1988).

از این رو ملاحظه می‌شود که دکتترین «تنفیذ» در مواردی که بیمه‌گذار فضولی قصد انعقاد قرارداد از طرف خود را دارد، قابل اعمال نیست و لذا در فرض اخیر، توجیه عدم نفوذ از طریق قواعد مربوط به دکتترین مزبور، امکان‌پذیر نمی‌باشد.

در حقوق انگلستان حتی در مواردی نیز که بیمه‌گذار فضولی با افشای نمایندگی خود، قرارداد بیمه منعقد می‌کند موضوع مورد اختلاف دیگری در رابطه با زمان امکان تنفیذ قرارداد بیمه مطرح می‌گردد: در حقوق این کشور در بیمه دریایی، تنفیذ قرارداد از سوی اصیل پس از

1. Exécuteur Légitime

2. Ratification

اطلاع از ضرر امکان پذیر است، این در حالی است که در حوزه بیمه‌های غیردریایی تنفیذ قرارداد تنها تا پیش از وقوع ضرر قابل تحقق است و پس از آن اثری ندارد (Birds & Hird, 2001).

لذا برخی نویسندگان این کشور موضع متفاوت رویه قضایی انگلستان را در این دو حوزه، قابل انتقاد می‌دانند و معتقدند که قاعده مزبور باید به خطرات غیردریایی نیز تسری یابد.^۱

اما با وجود تحلیل‌های فوق امکان پذیرش ضمانت اجرای عدم نفوذ و اعمال ماده ۱۹۷ قانون مدنی با مانعی حقوقی روبروست. چه آنکه در واقع ماده مزبور در رابطه با انعقاد قرارداد بر عوض متعلق به دیگری است حال آنکه در قرارداد بیمه، عوضین غیر از نفع بیمه‌ای است؛ به عبارت بهتر عوضین قرارداد در حقیقت «حق بیمه» و «تأمین» است که حق بیمه را بیمه‌گذار می‌پردازد و تأمین، معوضی است که بیمه‌گر، تعهد به ارائه آن دارد. لذا انعقاد قرارداد از سوی شخص فاقد نفع بر نفع متعلق به غیر مستلزم انعقاد قرارداد بر عوض متعلق به دیگری نیست تا مشمول قواعد فضولی موضوع ماده ۱۹۷ قرار گیرد. از این رو تنفیذ دارنده نفع نمی‌تواند بر نفوذ قرارداد تأثیر بگذارد و به تداوم حیات آن منتهی شود.

ضمانت اجرای فقدان نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص

فقدان نفع حتی در سیستم‌های حقوقی‌ای که از معیارهای جایگزین نفع (مانند رضایت بیمه شده) استفاده نموده‌اند، به بطلان قرارداد بیمه نظر دارد. در این بند لازم است موضع هر یک از دو نظام حقوقی در رابطه با نفع بیمه‌ای و معیار جایگزین آن به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

نظام‌های مبتنی بر رضایت

همان‌طور که در مقدمه نیز گفته شد در حقوق ایران، بحث از نفع بیمه‌ای در حوزه اشخاص، مسکوت مانده و تنها به کسب رضایت کتبی بیمه‌شده در بیمه‌های عمر یا نقصان یا شکستگی عضو ثالث، اکتفا شده است تا جایی که فقدان چنین نفعی، به بطلان قرارداد بیمه می‌انجامد. در اینجا لازم است به تنویر مفهوم «بطلان» در ماده ۲۳ قانون بیمه در رابطه با ضمانت اجرای فقدان رضایت، پرداخته شود. در این ماده چنین آمده است: «بیمه عمر یا بیمه نقصان یا شکستن عضو شخص دیگری، در صورتی که آن شخص قبلاً رضایت خود را کتباً نداده باشد، باطل است».

قانون بیمه ما در این بخش نیز از ماده ۲-۱۳۲ قانون بیمه فرانسه اقتباس گردیده است، در این ماده نیز صراحتاً در برخورد با قراردادهای بیمه خطر فوت یا شکستگی عضو ثالث که بدون رضایت‌نامه کتبی بیمه‌شده تحصیل گردیده از ضمانت اجرای «بطلان»^۲ سخن به میان آمده است.

سؤالی که در رابطه با ضمانت اجرای مصرح در این ماده به ذهن متبادر می‌شود آن است که آیا مفهوم بطلان در این ماده به معنای بی‌اعتباری مطلق و غیر قابل بازگشت قرارداد است؟ یا به بطلان در معنای عدم نفوذ نظر داشته است. بررسی مصالح و مقاصد قانون‌گذار در تدوین این ماده می‌تواند راه‌گشا باشد.

در ابتدای امر به نظر می‌رسد که استنباط عدم نفوذ از این ماده به تداوم قراردادهای بیمه عمر که ابزار مهم اقتصادی و وسیله‌ای در جهت سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بیمه‌گذار محسوب می‌شود، کمک می‌نماید و به بیمه‌شده این اختیار را اعطا می‌کند که با تنفیذ قرارداد بیمه‌ای که بدون رضایت قبلی او منعقد شده و در شرف بطلان است، حیات حقوقی بخشد و به لحاظ اقتصادی انگیزه سرمایه‌گذاری در این عرصه را با اعلام بی‌اعتباری قرارداد، در نطفه بی‌اثر نسازد و برای طرفین قرارداد این امکان را فراهم آورد که با اجازه بعدی بیمه‌شده، همچنان به آثار حقوقی ناشی از بیمه پایبند بمانند و به علاوه برای بیمه‌گر مجال سوءاستفاده از استناد به عدم وجود رضایت‌نامه بیمه‌شده برای شانه خالی کردن از تعهدات بیمه‌ای‌اش را فراهم نیاورد.

با وجود مزایایی که می‌توان در غیر نافذ تلقی کردن چنین قراردادی بدان دست یافت اما استنباط عدم نفوذ با وجود تصریح قانونی در این رابطه به راحتی امکان‌پذیر نیست. ظاهر ماده ۲۳ قانون بیمه ایران از یک سو و اغراض قانون‌گذار از لزوم احراز رضایت بیمه‌شده از سوی دیگر،

^۱. این دیدگاه منطبق با رویه قضایی کشورهای کانادا و آمریکا است که تنفیذ قرارداد را حتی پس از ورود ضرر، تأیید و تجویز می‌نمایند. ر. ک به:

Macgillivray, 1990

Birds & Hird, 2001

^۲. Nullité

احتمال عدم نفوذ بیمه‌های عمر شخص ثالث را کم‌رنگ می‌سازد تا جایی که می‌توان ادعا کرد که فلسفه رضایت بیمه‌شده در این نوع از قرارداد مقابله با هرگونه وسوسه سوء قصد احتمالی بیمه‌گذار و حفظ نظم عمومی جامعه است که نمی‌توان تعیین تکلیف چنین قراردادی را به اراده اشخاص واگذار کرد. از این رو باید بر آن بود که فقدان رضایت بیمه‌شده در حقوق ما به بطلان در معنای اخص کلمه می‌انجامد.

نظام‌های مبتنی بر احراز نفع قابل بیمه

به‌طور کلی در کامن‌لا قراردادهای بیمه عمر از جهت قابلیت یا عدم‌قابلیت بقا به قراردادهای «باطل» و «قابل ابطال» تقسیم می‌شود. بیمه عمری که به وسیله شخص فاقد نفع خریداری می‌شود در گروه اول قرار گرفته و به موجب ماده یک قانون بیمه عمر ۱۷۷۴ انگلستان از ابتدا باطل اعلام می‌شود.^۱ در این صورت تمام حق بیمه‌های پرداختی به دارنده بیمه‌نامه مسترد می‌گردد و از سوی دیگر بیمه‌گران را به هیچ روی نمی‌توان به پرداخت منافع ناشی از مرگ بیمه‌شده ملتزم نمود.

به‌نظر می‌رسد از آنجایی که نفع قابل بیمه در بیمه‌های اشخاص نیز به عنوان شرط اساسی تشکیل‌دهنده خطر تلقی می‌شود، فقدان آن به معنی نبود نفع در معرض خطر در قرارداد خواهد بود. لذا قرارداد بیمه بدون تصور خطر از رکن اساسی تشکیل محروم خواهد ماند. می‌توان فرضی را در نظر گرفت که در آن، زوجه خطر فوت همسرش را تحت بیمه قرار می‌دهد؛ در این فرض وجود رابطه عاطفی و بعضاً اقتصادی میان بیمه‌گذار و بیمه‌شده موجب نفع قابل بیمه برای زوجه خواهد بود؛ زیرا در صورت ازدست‌دادن زوج، ضرر معنوی و مادی وارده به زوجه دور از ذهن نخواهد بود. نفع در معرض خطر زوجه نسبت به تداوم حیات زوج در حقیقت عامل اصلی تمایز قرارداد بیمه با قمار و گرویندی است. حال آنکه در فقدان چنین رابطه‌ای میان بیمه‌گذار و بیمه‌شده، تصور نفع در معرض خطر نیز منتفی خواهد بود و لذا چنین قراردادی را نمی‌توان بیمه تلقی نمود.

با توجه به آنچه گفته شد ملاحظه می‌گردد که موضع قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی، در رابطه با فقدان نفع بیمه‌ای یا معیارهای جایگزین آن در بیمه‌های اشخاص، به سمت وسوی بطلان قرارداد متمایل است. بطلانی که به بیمه‌گذار اجازه می‌دهد حق بیمه‌های پرداختی را پس از اعلام بی‌اعتباری قرارداد، از بیمه‌گر مطالبه نماید.

نتایج و بحث

- هرم قرارداد بیمه از سه رأس اساسی خطر، حق بیمه و حادثه تشکیل شده است؛ نفع بیمه‌ای در قرارداد بیمه به عنوان عنصر اساسی تشکیل‌دهنده خطر و وجه ممیزه قرارداد بیمه و شرط‌بندی است. لذا در بیمه‌های اشخاص، حتی رضایت بیمه‌شده نیز نمی‌تواند جایگزین ضرورت‌های وجود این مفهوم در قرارداد بیمه تلقی شود و لازم است نفع قابل بیمه در نظام حقوقی ایران در حوزه بیمه‌های اشخاص مورد توجه قرار گیرد.

- ضرورت وجود نفع به معنی نفی لزوم شرط رضایت بیمه‌شده ثالث در قرارداد بیمه نیست بلکه وجود این شرط در قرارداد بیمه به عنوان ابزار مقابله با مخاطرات اخلاقی، امری انکارناپذیر می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد تلفیق نفع قابل بیمه و رضایت بیمه‌شده می‌تواند به نحو مؤثری از قماری شدن قرارداد از یک سو و امکان تحقق مخاطره اخلاقی از سوی دیگر جلوگیری نماید.

- برای تعیین ضمانت اجرای مناسب برای فقدان نفع در بیمه‌های خسارت، باید به حقایق موجود در حقوق بیمه نظر کرد. در این حوزه مهم نیست که چه شخص یا اشخاصی می‌توانند به بطلان استناد کنند بلکه مهم، یافتن ضمانت اجرای عمل حقوقی‌ای است که فاقد عنصر اساسی تشکیل‌دهنده قرارداد است. به عبارت دیگر برای تعیین ضمانت اجرای فقدان نفع، باید نزدیکی و پیوستگی مفهوم نفع و خطر را مدنظر قرار داد. - به نظر نگارنده، نفع به عنوان شرط اساسی قرارداد بیمه و مؤلفه تشکیل‌دهنده خطر، از چنان اهمیتی در قرارداد برخوردار است که فقدان آن به عنوان رکن اساسی هرم قرارداد بیمه از موجبات بطلان و بی‌اعتباری قرارداد خواهد بود.

به علاوه قواعد مربوط به نظم عمومی در خصوص منع معاملات قماری و گرویندی نیز چنین رویکردی را تأیید می‌کند تا جایی که جبران نقض چنین قواعدی را نمی‌توان به خواست و اراده اشخاص واگذار کرد و تنفیذ قرارداد را از اسباب نفوذ آن به حساب آورد.

- اما در بیمه‌های اشخاص در حقوق ایران نفع قابل بیمه مسکوت مانده و رضایت کتبی بیمه‌شده به عنوان معیار اعتبار قرارداد در نظر گرفته شده است که به‌نظر می‌رسد این معیار نمی‌تواند جایگزین مناسبی برای نفع قابل بیمه تلقی گردد و خلاءهای نبود آن در قرارداد را

1. Void Ab Initio

جبران کند. به علاوه فقدان رضایت در قرارداد از اسباب بطلان آن اعلام گردیده است، باین وجود به نظرمی رسد نه تنها لازم است نفع قابل بیمه به عنوان عامل مقابله با شرط بندی در قرارداد بیمه اشخاص نیز در قانون گذاری ایران مورد توجه قرار گیرد بلکه لازم است به روشنی ضمانت اجرای فقدان نفع معین گردد.

منابع و ماخذ

- بابایی، الف.، (۱۳۸۷)، حقوق بیمه، تهران: سمت، چ ۷، ص ۸۳.
- صادقی نشاط، الف.، (۱۳۷۲). حقوق بیمه دریایی، مؤسسه آموزش کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، صص ۳-۳۲.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۵)، الف. حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار، چ ۷، ج ۲، صص ۳۲۳، ۴۹ و ۹۸.
- کاتوزیان، ن.، (۱۳۸۵)، ب. دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، چ ۱۱، صص ۹-۱۸۵.
- مشایخی، ه.، (۱۳۴۹)، مبانی و اصول حقوقی بیمه، تهران: انتشارات موسسه عالی حسابداری، تهران، ص ۱۵۴.
- Best jr, F., (1986). "Difining Insurable Interest in lives, Tort & insurance Law Journal, 22 (104), pp. 105-8
- Birds, J.; Hird, N.J., (2001). Bird's modern insurance law, London: Sweet & Maxwell, 5th E, pp. 40 - 68.
- Groutel, H.; Leduc, F., (2008). Traité du conrat du d'assurance terrestre, Lexinexis lites, pp. 785- 93.
- Macgillivray, E.J., Paris: (1990). Macgillivray & Parkington on insurance law, London: Sweet & Maxwell, 8th E, pp. 77-86.
- Patterson, E.W., (1918). Insurable Interest in Life, Columbia Law Review, 18, (5), pp. 385-6.
- Porter, J.B.; Craies, W.F.; Morgan, T.W., (1993). The laws of insurance: fire, life, accident, and Guarantee, Embodying Cases in the English, Scotch, Irish, American, Australian, and Canadian courts, London: Sweet & Maxwell, p. 36.
- Provost, M., (2009). La Notion D'intérêt d' Assurance, LGDJ, Paris, pp. 294, 197.
- Schmitthoff, C.M., (1987). Clive m. Schmitthoff 's select essays on international trade law, Martinus Nijhoff Publisher, p. 330.
- The city of London law society, insurance law committee, (2008). Response by the City of London Law Society, Insurance Law Committee, to the English and Scottish Law Commissions' Issues Paper 4 on Insurance Contract Law - Insurable Interest, pp. 24, <<http://www.citysolicitors.org.uk/FileServer.aspx?oID=338&IID=0>>
- The law commission and the Scottish law commission, 2008, Insurance Contract Law Issues Paper 4 Insurable Interest, para 1.12 & 1.28, <http://lawcommission.justice.gov.uk/docs/ICL4_Insurable_Interest.pdf> [Accessed 8/5/2012].
- http://www.gesetze-im-internet.de/englisch_vvg/englisch_vvg.html (6/6/2012)
- http://www.elaws.gov.on.ca/html/statutes/english/elaws_statutes_90i08_e.htm#BK169 (6/8/2012)
- <http://www.legifrance.gouv.fr/affichCodeArticle.do?cidTexte=LEGITEXT000006070721&idArticle=LEGIARTI000006436119&dateTexte=20120830> (7/12/2012) <http://www.legislation.gov.uk> (4/2/2012)